

رفتارهای اجتماعی و عاطفی در کودکان با ناتوانیهای یادگیری

تالیف: لرنر
ترجمه: رضا برادری

قسمت دوم

مشکلات رفتاری دانش آموزان دارای اختلال نقص توجه

دانش آموزان دارای اختلال نقص توجه، اغلب مشکلات اجتماعی و رفتاری از خود نشان می دهند، خصوصاً اگر اختلال با بیش فعالی نیز همراه باشد.

اختلال نقص توجه با مشکلات پایدار در دامنه توجه، ضعف در کنترل تکانه‌ها و برخی اوقات با بیش فعالی مشخص می شود. هنگامی که این وضعیت با بیش فعالی همراه باشد، به آن اختلال نقص توجه همراه با بیش فعالی اطلاق می گردد.

در آموزشگاه، دانش آموزان دارای اختلال نقص توجه همراه با بیش فعالی، تکانشی، دارای حضور پرسروصدا در کلاس بوده و بطور دائم سوال پرسیده و توضیح داده و چیز می خواهند. آنها در گروه کلاسی، عضوی نامتجانس هستند. معلمین باید بدانند، با آنکه رفتار این کودکان در طول زمان آزار دهنده است ولی این رفتار، همه یا بخشی از یک فعالیت برای مقابله با تسلط آموزشی معلم نیست. سطح فعالیت دانش آموزان دارای اختلال نقص توجه، همیشه تحت کنترل آنها نیست (لرنر و لرنر ۱۹۹۱، سیلورهاگین ۱۹۹۰). همانطور که قبلاً خاطر نشان شد چهارده رفتار مربوط به اختلال نقص توجه همراه با بیش فعالی توسط سومین راهنمای آماری و تشخیص اختلالات روانی تجدید نظر شده

(DSM-III-R) (انجمن روانپزشکی آمریکا ۱۹۸۷) مورد شناسایی قرار گرفته است. تشخیص، مستلزم داشتن حداقل ۸ رفتار برای مدت ۶ ماه یا بیشتر در قبل از ۷ سالگی می باشد. تمام این رفتارها می تواند بطور جدی در یادگیری آموزشگاهی تداخل داشته باشند.

برخی از کودکان دارای اختلال نقص توجه، علائم بیش فعالی از خود نشان نمی دهند و مهم ترین مشخصه آنها عدم توجه می باشد. این کودکان اغلب نادیده انگاشته می شوند زیرا آنها مسبب اختلالات رفتاری در کلاس نیستند. با آن که این کودکان مورد توجه معلمین نیستند ولی حقیقتاً نسبت به سایر دانش آموزان که علائم بیش فعالی را از خود نشان می دهند بیشتر در معرض شکستهای آموزشی قرار می گیرند.

دانش آموزان دارای اختلال نقص توجه، مشمول خدمات مشخص شده در قانون آموزش ویژه (IDEA-PL101-476) یا بخش ۵۰۴ قانون توانبخشی، به منظور دریافت انطباقهای مناسب در کلاسهای عادی می باشند. رفتارهایی که مشخصه اختلال هستند اغلب منجر به شکست تحصیلی و طرد از طرف گروه هم سن شده، که این می تواند موجب کاهش اعتماد به نفس و حقارت در کودکان شود. مدل چندوجهی درمان فراگیر

توصیه شده برای اختلال نقص توجه شامل درمان تحصیلی بوده که در آن معلم نقشی حیاتی دارد. دفتر آموزش و پرورش استثنایی ایالات متحده، اقدام به یک سری فعالیتها برای ادغام و اشاعه اطلاعاتی در مورد ارائه خدمات به دانش آموزان دارای اختلالات نقص توجه نموده است (شیلر و هاوسر ۱۹۹۲). جدول ۱-۱۵ حاوی برخی توصیه‌هایی است که معلمین می توانند در کلاس از آن استفاده نمایند. (کلی و ایلوارد ۱۹۹۲، جلد ۱۹۸۸).

جدول ۱-۱۵

رهنمودهایی برای معلمین دانش آموزان دارای اختلال نقص توجه

توصیه‌های ذیل می توانند یاری کننده عملکرد دانش آموزان دارای اختلال نقص توجه در کلاس باشند.

۱. جایدهی در کلاس: دانش آموز درجایی بنشیند که حداقل عوامل مزاحم خارجی را داشته و معلم بتواند آنچه را که دانش آموز بدان توجه می کند، فوراً محقق نماید. این چیز ممکن است در کنار کلاس بوده ولی می بایستی از درها و پنجره‌ها دور باشد. کودک دور از ایرکاندیشن، بخاری یا محیط‌های پر رفت و آمد جای داده شود.

۱۲- موقعیتی را بیابید که کودک در آن عملکرد خوبی داشته باشد و سپس آن را تشویق کنید. هر کودکی توانایی‌ها یا علائق ویژه‌ای به برخی فعالیتها دارد. این موقعیتها را یافته و در رشد آنها تسهیلاتی ایجاد کنید.

۱۳- تشویق و جوایز زیادی فراهم کنید: از طریق جایزه و یا تشویق، یادگیری خوب و رفتار اصلاح شده را در دانش آموزان افزایش دهید.

۱۴- موقعیت امتحان را تعدیل کنید: در صورت ضرورت، زمان یا تمرین اضافی برای دانش آموز در نظر گرفته و یا از کارهای مورد لزوم در امتحان بکاهید.

مباحث مربوط به انگیزش

انگیزش نیرویی است که سائق فردی را به سوی تحقق اهداف، هدایت و نیرو می‌بخشد. دانش آموزان می‌بایستی میل قوی به یادگیری در مدرسه داشته باشند زیرا بسیاری از یادگیریهای کلاسی نیازمند پایداری و کار زیاد در زمان طولانی هستند. با آنکه دانش آموزان دارای ناتوانیهای یادگیری، اغلب به لحاظ بی انگیزگی مشخص می‌شوند ولی ضعف انگیزشی آنها حقیقتاً ناشی از شکستهای مزمن تحصیلی می‌باشد. فرآیند از دست رفتن انگیزه زمانی شروع می‌شود که دانش آموز به تواناییهای هوشی خود برای اولین بار شک نماید. وی سپس شروع به بازنگری فعالیتهایی که با شکست روبرو شده‌اند پرداخته و از خود می‌پرسد: چرا تلاش کنم، با آن که می‌دانم تلاشهایم با شکست روبرو می‌شوند؟ با تکرار عدم موفقیت کلاسی دانش آموزان دارای ناتوانیهای یادگیری، خودپنداره‌ای منفی در رابطه با عملکرد تحصیلی خود بوجود می‌آورند. در نهایت آنها موقعیتهای اندکی برای تجربه کنترل فردی بر فرآیندهای

۷- تفکیک تکالیف به قطعات قابل اجرا: از دانش آموزان دارای اختلال نقص توجه نباید انتظار داشت برای مدتی طولانی بطور مستقل فعالیت نمایند. اگر مطالب کتاب گنج‌کننده و یا درهم ریخته باشد، لازم است آنها به شکل واحد سازماندهی شوند تا در صفحه، مواد کمتری وجود داشته باشد و این مواد بهتر سازمان‌بندی شوند.

۸- در صورت نیاز وقت اضافی داده شود: دانش آموزان دارای نقص توجه کارها را کندتر انجام می‌دهند چنانچه کودک نمی‌تواند کارهای خود را در زمانی محدود انجام دهد لازم است وقت اضافی به وی داده و از جریمه آن خودداری شود.

۹- ارائه بازخورد فوری برای کارهای انجام شده: دانش آموزان ضمن اینکه باید بدانند که چه عملکردی داشته‌اند، فرصتی برای تصحیح آنها داشته باشند. همچنین امکانی برای بازنگری فعالیتها به ایشان داده شود.

۱۰- تشویق والدین برای ایجاد موقعیتی مناسب جهت مطالعه در منزل: نشان دهید که والدین چگونه می‌توانند برنامه‌ای ثابت برای کودک بوجود آورند که در آن زمانی برای مطالعه در نظر گرفته شده باشد. از والدین بخواهید تکالیف انجام شده کودک را بررسی و اصلاح نمایند.

۱۱- از وسایل کمک آموزشی استفاده کنید: بسیاری از دانش آموزان دارای اختلال نقص توجه به استفاده از وسایلی همچون کامپیوتر، ماشین حساب، ضبط صوت و سایر وسایل کمک آموزشی لذت می‌برند. این وسایل در ایجاد علاقه و ساختار یادگیری آنان کمک می‌نماید.

۲- طراحی فعالیتها متنوع، بطوری که کودک بتواند حرکت نماید: تعدیل برنامه عادی کلاسی به منظور اینکه کودک بتواند گاه به گاه بلند شده و در کلاس حرکت کند. برای مثال وادار کردن دانش آموز به توزیع کاغذها یا گذاشتن کتب، چنین فعالیتهایی، زمانی را که کودک می‌بایستی در یک نقطه بنشیند دچار وقفه می‌کند و همکاری فیزیکی موجب تمرکز توجه کودک می‌شود.

۳- ایجاد برنامه‌های ثابت و ساخت یافته تا حد امکان: ایجاد یک برنامه ثابت و حفظ آن بطور روزانه در روزهایی که برخی موارد غیر معمول رخ می‌دهد دانش آموز را با این پرسش که چه حادثه‌ای اتفاق خواهد افتاد؟ و چه زمانی رخ خواهد داد؟ آماده نماید.

۴- لزوم داشتن یک دفتر یادداشت تکالیف روزانه: این فعالیت به دانش آموز در جهت سازماندهی زمان و این که بدانند چه کاری می‌بایستی انجام دهد و طراحی برای زمانی که فعالیت می‌بایستی انجام شود، کمک می‌نماید. مطمئن شوید که دانش آموز هر روز فعالیتها را درست یادداشت کند.

۵- مطمئن شوید که قبل از تدریس توجه دانش آموز به شما معطوف می‌باشد: یک علامت توجهی مانند اشاره دست، یک تماس آرام یا ارتباط چشمی در بیشتر اوقات سودمند است. بسیار اهمیت دارد که توجه دانش آموز قبل از صحبت با وی جلب شود.

۶- آموزشها، روشن و مشخص ارائه شوند: آموزشها می‌بایستی با برنامه روزانه هماهنگی داشته باشد. آموزشهای پیچیده را ساده کرده و از دستورات چند پهلو خودداری شود.

یادگیری دارند. سرانجام آنها شک می‌کنند که تحت کنترل سرنوشت تحصیلی خود قرار دارند. (گروتلوشن، برکوسکی و وهل ۱۹۹۰، کیستز، اوزبرن و لاوری ۱۹۸۸).

نظریه‌های انگیزه بر سوال‌هایی همچون: چگونه؟ دانش‌آموزان به اندازه کافی به شروع یادگیری علاقمند می‌شوند؟ چه دلایلی آنها در جهت میل به اهداف خاصی حرکت می‌کنند؟ و چه عواملی موجب می‌شوند که علاقه فرد در طی دوره زمانی طولانی در جهت رسیدن به هدف، پایدار بماند؟ در این بخش، سه نظریه که با مشکل انگیزش دست به گریبان هستند بیان می‌شود: نظریه اسناد، نظریه خودبستگی و شناخت اجتماعی و نظریه تقویت.

نظریه اسناد

واژه اسناد به روشهایی اشاره دارد که مردم از آن طریق دلایل موفقیتها و شکستهای خودشان را توضیح می‌دهند. نظریه اسناد مربوط به انگیزه، بیان می‌دارد: افرادی که عملکرد یادگیری‌شان مطلوب است تمایل دارند موفقیتها و شکستهای تحصیلی خود را بر تلاشها و فعالیتهایشان مربوط کنند. آنها بر تکالیف مشکل، رضامندی متأخر که به طور فعال در موقعیت یادگیری لحاظ شده‌اند، پافشاری می‌کنند.

در مقابل، دانش‌آموزان دارای ناتوانیهای یادگیری اغلب موفقیتها و شکستهای خود را به عواملی خارج از کنترل خود مربوط می‌دانند. آنها موفقیت را به شانس یا معلم ربط داده و در شکستها، کم توانی، مشکل بودن تکلیف یا سایر عوامل اتفاقی را مقصر می‌دانند. تحقیقات انجام شده

در حوزه این نظریه نشان می‌دهد که دانش‌آموزان دارای ناتوانیهای یادگیری از نظریه موفقیت‌ها و شکستهای خود را توضیح می‌دهند با سایر همسالان خود متفاوت هستند.

دانش‌آموزان دارای ناتوانیهای یادگیری عقیده دارند که شکستهای آنان نشان دهنده کمبود توانایی ایشان است در حالی که دانش‌آموزان بهنجار شکست را به تلاشهای کم خود مربوط می‌دانند. دانش‌آموزان دارای ناتوانیهای یادگیری همچنین تمایل دارند موفقیت‌های خود را به شانس نسبت دهند، در حالی که دیگر دانش‌آموزان، موفقیت‌های خود را به تلاشهایشان مربوط می‌دانند (کیستز، اوزبرن و لاوری ۱۹۸۸، چاپمن ۱۹۸۸). پیامد این سبک اسناد آن است که دانش‌آموزان دارای ناتوانی یادگیری، یادگیرندگانی غیرفعال شده که قادر به کار از طریق تکالیف چالش‌انگیز نمی‌باشند، حتی زمانی که مهارتها و توانایی‌های لازم را برای انجام آن داشته باشند.

تحقیقات نشان می‌دهد که سبک‌های اسناد را، که در جهت کمک به دانش‌آموزان به منظور اینکه یادگیرندگانی مستقل و مقاوم شوند به کار می‌روند، می‌توان تغییر داد. (بروکوسکی، ویهینگ و کرر ۱۹۸۸).

نظریه شناخت اجتماعی و خودبستگی

نظریه شناخت اجتماعی در زمینه انگیزش، بر خصوصیات خودبستگی و اعتقاد بر خود فرد تأکید دارد. این تئوری بیان می‌دارد که انسان می‌تواند تغییراتی در خود و موقعیتهایش ایجاد نماید. آن هم

از طریق تلاشهای فردی خود. بسیاری از مردم به توانایی‌های بالقوه خویش اعتقاد دارند و بنا بر این انگیزه آنها بیشتر و تلاشهایشان پایدارتر خواهد بود. به عبارت دیگر هنگامی که افراد در مورد توانایی‌های بالقوه خود مشکوک هستند تلاشها یا فعالیتهای خود را متوقف کرده سریعاً به راه‌حل‌های بیش از اندازه بی‌اهمیت پناه می‌برند. هنگامی که افراد بر توانایی‌هایشان اعتقاد قوی داشته باشند، تلاش بیشتری برای برتری در چالشها دارند. (باندورا ۱۹۸۶).

انگیزش دانش‌آموزان به یادگیری و موفقیت، بطور دائم توسط شکست تهدید می‌شود. هنگامی که تلاش برای یادگیری به عنوان شکست تلقی می‌شود، تجزیه و تحلیل دانش‌آموزان این است که دیگر کنترل موقعیت خود را از دست داده‌اند. گزینه‌های مثبت همراه نخواهند داشت، آن هم، هنگامی که بیشترین تلاش را کرده‌اند و دیگران می‌گویند "باز هم باید بیشتر تلاش کنید". آنگاه دانش‌آموز رویکردی ناامیدانه نسبت به موقعیت یادگیری بوجود آورده، تلاش را رها کرده و وضعیت بی‌انگیزه به خود خواهد گرفت. نظریه شناخت اجتماعی در زمینه انگیزه به این حقیقت تأکید دارد که برخی مردم احساس قوی خودبستگی داشته و پاسخی حاکی از ناامیدی در رابطه با شکست بروز نمی‌دهند، آنها دارای انگیزه در رابطه با یادگیری بوده و در این عقیده که کنترل را حفظ می‌کنند پایبند هستند. (باندورا ۱۹۸۶).

جالب توجه است، برخی افراد که موفقیت‌های بزرگی کسب کرده‌اند، سال‌ها با طرد و حتی ریشخند روبرو بوده‌اند، اما به هر

برای تشکیل زمینه‌ای برای تصمیم‌گیری و طراحی روشهای اصلاح رفتار گردآوری شود. استفاده از تقویت برای انگیزش رفتار، موضوع مباحث آتی است.

تحلیل رفتار

تحلیل رفتاری مبتنی بر رفتار قابل مشاهده (در مقابل وضعیت عاطفی یا عملیات ذهنی) دانش‌آموزان می‌باشد (لوویت ۱۹۹۱، هارینگ و کندی ۱۹۹۲). هدف تحلیل رفتاری ایجاد تغییرات منظم در یادگیریهای اجتماعی و تحصیلی دانش‌آموزان دارای ناتوانیهای یادگیری از طریق تعدیل پیشامدهای محیطی می‌باشد.

اصول تحلیل رفتار

سه اصل در تحلیل رفتار برای کنترل رفتار دانش‌آموز کاربرد دارد (هارینگ و کندی ۱۹۹۲):

- ۱- رفتار کنشی است: این بدان معناست که تمام رفتارها در خدمت اهداف فردی است. کلید درک رفتار دانش‌آموز آگاهی از هدف انجام آن رفتار می‌باشد.
- ۲- رفتار وابسته به متن است: واحد رفتاری مینا، متشکل از یک محرک، یک پاسخ و یک پیامد (تصویر ۱-۵) می‌باشد. از هنگامی که این واحد در یک موقعیت محیطی رخ می‌دهد، بسیار

عمده برای ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان دارای ناتوانیهای یادگیری تهیه می‌کند. تصمیم‌گیریهای اساسی ذیل می‌بایستی برای استفاده مؤثرتر نظریه تقویت انجام شود (لوویت ۱۹۹۱-۱۹۸۹):

- ۱- تقویت‌کننده‌های بالقوه‌ای را که می‌توانند در دانش‌آموز ایجاد انگیزه کرده و انجام یک تکلیف ویژه را تسهیل نمایند شناسایی کنید.
- ۲- پاسخ‌ها یا رفتارهای دانش‌آموز را که می‌بایستی موجب تقویت شوند، شناسایی کنید.
- ۳- محیط رابه گونه‌ای آماده کنید که دانش‌آموز برای رفتار مطلوب تقویت شود. اگر پاسخ‌های دانش‌آموز به روشی خاص می‌باشد، می‌بایستی یک تقویت‌کننده ویژه ارائه گردد.
- ۴- هنگامی که عملکرد دانش‌آموز صحیح است، تقویت را افزایش، و هنگامی که دانش‌آموز اشتباه کرد تقویت را کاهش دهید.
- ۵- سرانجام، دانش‌آموز بطور مستقل، تصمیم‌گیریهای آموزشی داشته باشد، مواردی نظیر تصحیح و تعیین ارزش تقویت. اطلاعات دقیق و صحیحی که توصیف‌کننده عملکرد دانش‌آموز است می‌بایستی

حال حسی از اعتقاد به خود و به آنچه انجام می‌دهند را حفظ کرده‌اند. شاعری به نام گرتروداشتین، اشعار خود را به مدت بیست سال برای ناشرین می‌فرستاد تا نهایتاً یکی از آنها مورد پذیرش واقع شود. وون گوگ در تمام طول عمر خود فقط توانست یکی از تابلوهای خود را بفروشد و فرانک لویدرایت در تمام طول عمر خود به عنوان یک معمار مطرح بود. بسیاری افراد دارای ناتوانیهای یادگیری، بر طرد و ناامیدی غلبه کرده‌اند زیرا آنها به طور قدرتمندانه‌ای به خود اعتقاد دارند. یک سیستم حمایتی قوی می‌تواند موجب ارتقاء و احساس کنترل و توانایی غلبه بر کند ذهنی شود. به عنوان بخشی از این سیستم، معلمان از طرق مختلف می‌توانند به دانش‌آموزان کمک کنند. آنها می‌توانند دانش‌آموزان را در مهارتهای تصمیم‌گیری یاری رسانیده و موقعیتهایی برای تصمیم‌گیری فراهم سازند. معلمان همچنین می‌بایستی دانش‌آموزان را در شناخت علل موفقیت و شکست یاری نمایند، بطوری که این افراد جوان، دست از سرزنش خویش برداشته و در مقابل احساس کنند که تلاشهایشان بر بازده تأثیر خواهد گذاشت. نهایتاً کسانی که به این کودکان آموزش می‌دهند می‌بایستی آنها را در یادگیری مکانیزمهای مقابله‌ای و راهبردهایی که به ایشان اجازه می‌دهد بطور ساخت یافته‌ای به شکست پاسخ دهند، یاری نمایند.

نظریه تقویت

شرحی از انگیزه که توسط نظریه تقویت ارائه شده بر این اساس قرار دارد که مردم آنچه را که به خاطرش تقویت می‌شوند انجام می‌دهند. این نظریه رویکردی



اهمیت دارد که ملاحظه شود چطور محیط رفتار را شکل می‌دهد.

۳- رفتار قابلیت کیفی دارد: تحلیل رفتاری مبتنی بر اطلاعات است. رفتار، قابل مشاهده بوده و اطلاعات مربوط به رفتار می‌بایستی به منظور توسعه روشهایی برای کنترل رفتار جمع آوری شوند.

نظریه‌های تحلیل رفتار

هسته یک واحد رفتاری شامل سه جزء می‌باشد: محرک (S)، پاسخ (R) و پیامد (C) (هارینگ و کندی ۱۹۹۲).

رفتار همان پاسخ است. ما می‌توانیم رفتار هدف را به عنوان یک واقعه قرار گرفته ما بین دو مجموعه از اثرات محیطی در نظر بگیریم. آنهایی که مقدم بر رفتار بوده (محرک یا حوادث پیش آیند) و آنهایی که رفتار را دنبال می‌کنند (وقایع بر آیند یا تقویت کننده‌ها). تصویر ۱۵ حاوی ارتباط میان این سه جزء می‌باشد.

جدول ۱-۱۵- اجزاء یک واحد رفتاری

محرک	پاسخ	نتیجه
حادثه پیش آیند	رفتار هدف	بر آیند یا حادثه تقویت کننده

- محرک

مشاهده منظم و دقیق و جدول بندی می‌بایستی از وقوع حوادث ویژه‌ای که رفتار مورد نظر را بوجود می‌آورند انجام شود. دو مثال ذیل یک واقعه محرک را مشخص می‌کنند، صدای (محرک) اطاق کناری آنقدر زیاد است که نورین قادر به انجام کارش نیست. معلم از چارلسی می‌خواهد که بخواند (محرک یا واقعه پیش آیند)، او با کتک زدن، سایرین را در کلاس اذیت می‌کند.

- پاسخ

این رفتار هدف است، تحلیل رفتار مستلزم انتخاب رفتار هدفی می‌باشد که بوسیله افراد انجام می‌شود. این هدف گسترده نبوده و کاملاً اختصاصی است (برای مثال: هدف می‌تواند شامل این باشد که دانش آموزی در ۲ دقیقه ۵ مساله ریاضی را پاسخ بگوید)، علاوه بر این، باید مدرکی مبنی بر اینکه یادگیری صورت گرفته است، وجود داشته باشد. هدف از آموزش یک دانش آموز، جامعه پذیر شدن آن است، که بسیار گسترده بوده و مشاهده آن خیلی مشکل است، اما رفتار بیان تشکر در هنگام دریافت غذا، مشخص و قابل مشاهده است.

- پیامد

حوادث بعدی یا تقویت کننده‌هایی که رفتار هدف را دنبال می‌کنند پیامد می‌باشند. مهم است که اثرات تقویت کننده‌های مختلف یا پاداشها را بر رفتار یک دانش آموز معین، مشخص شده و الگوهای پاسخ به پاداشها تحلیل شوند. این اطلاعات ایجاد یک سیستم پاداش دهی را که افزایش دهنده رفتار مورد نظر می‌باشد، ممکن می‌سازد. تقویت‌های مثبت و بی واسطه در تسهیل رفتار مورد نظر بسیار مؤثر هستند. مثالهایی از تقویت‌های مثبت شامل ستاره‌ها، برچسب‌ها، ژتون، نقطه‌ها، جوایز، لامپهای چشمک زن و یا فقط رضایت از داشتن اینکه "پاسخ صحیح است" می‌باشد. مثالهایی از وقایع پیامد عبارتند از: پس از آنکه آنت ۲ صفحه مطلب خواند، او ۲ ژتون دریافت کرد که قابل تبدیل به اسباب بازی بود. پیامد (واقعه تقویت کننده) متعاقب رفتار خواندن، دریافت ژتون می‌باشد.

در آموزش خواندن به سرنا، رفتار مورد نظر داشتن صدایی معادل حرف (A) است. آن هم زمانی که کارت محرک دارای نقش ارائه می‌شود. برای هر پاسخ درست، سرنا فوراً یک تقویت مثبت مانند تکه‌ای کوچک شیرینی، ستاره، پول، جایزه یا توجه دریافت می‌کند.

مفاهیم کلیدی در تحلیل رفتار

تحلیل رفتاری می‌تواند ابزاری مفید برای کنترل رفتار دانش آموزان دارای ناتوانیهای یادگیری باشد. موفقیت تحلیل رفتار، بستگی به درک برخی عوامل دارد که دارای تأثیری تقویت کننده باشند.

تقویت

همانطور که در بخش قبل گفته شد، تقویت یک واقعه پیش آینه است که بعد از ارائه پاسخ از طرف فرد رخ می‌دهد. تقویت دارای تأثیری کنترل کننده یا تعدیل کننده بر رفتار فرد می‌باشد. در اینجا دو گونه تقویت وجود دارد: مثبت و منفی، تقویت مثبت یک واقعه پیش آینه مطلوب بوده که به دنبال پاسخ آمده و موجب افزایش احتمال آن می‌شود که فرد پاسخی مشابه در موقعیتی مشابه در آینده داشته باشد. برای مثال جیم که اغلب سوالهای خود را با فریاد بیان می‌کند، اگر از طرف معلم مورد تشویق قرار گیرد که هنگام سوال کردن دست خود رانیز بالا ببرد، در آینده کودک تمایل خواهد داشت در هنگام سوال کردن دستش را بلند نماید. یا مثلاً تروودی چهار ساله که از نظر تکلمی دارای تأخیر می‌باشد، چنانچه پس از گفتن هر کلمه تکه‌ای شیرینی دریافت نماید سعی خواهد کرد که کلمات بیشتری بر زبان آورد. تقویت منفی، پیامدی نامطلوب بوده

نیمکت خود برای چند ثانیه، سپس برای لمس کردن نیمکت خود، پس از آن برای زانو زدن بر روی نیمکت، بعد برای نشستن به مدت چند ثانیه بر روی نیمکت و بعد برای نشستن برای دو دقیقه و الی آخر تقویت شود.

کنترل وابستگی

این مفهوم که چیز مطلوب می تواند به عنوان تقویت چیزی که دانش آموز مایل به انجام آن نیست بکار گرفته شود اساس کنترل وابستگی است. اصل پریماک بیان می دارد که رفتارهای ترجیح داده شده می توانند برای تقویت رفتارهایی که کمتر مطلوب هستند مورد استفاده قرار گیرند. (پریماک ۱۹۵۹). این موضوع همچنین به عنوان "قانون مادر بزرگ" مورد اشاره قرار گرفته است، زیرا مادر بزرگها عادت دارند که قول بدهند، اگر بشقاب را تمام کردی، می توانی دسر بخوری. برای مثال اگر ویلی مایل است برای خواندن، الگوهایی را بوجود آورد، فرصت وی برای کار بر روی یک الگو منوط به انجام یک تکلیف روخوانی خاص خواهد بود. یا اینکه دیو علاقمند به بازی با توپ است، وی می تواند بعد از به پایان رساندن تکلیف مربوط به هجی - کردن، بازی کند.

کنترل وابستگی روشی است که برای ایجاد سازمندی های رسمی بکار برده می شود. در این موارد توافق کتبی اخذ شده، بطوری که دانش آموز با انجام چیزهایی که معلم مایل است موافقت کرده و معلم نیز توافق می کند چیزی را که دانش آموز در عوض می خواهد، مهیا نماید. برای مثال: کارن و معلمش قراردادی می نویسند که پس از انجام بیست مساله ریاضی توسط کارن وی زمانی برای تفریح

ژون برای هر دفعه که مساله ای حل می کرد ستاره دریافت نمی نمود بلکه ابتدا برای هر یک صفحه، سپس برای هر دو صفحه، پنج صفحه تا الی آخر یک ستاره دریافت می نمود. در اینجا دو گونه برنامه تقویت متناوب وجود دارد: برنامه های فاصله ای (بر اساس تقویتهایی که در زمان خاصی داده می شود) و نسبی (که در آن تقویت بعد از تعداد معینی پاسخ ارائه می گردد).

برنامه فاصله ای می تواند بصورت ثابت (که تقویت پس از یک دوره زمانی از پیش تعیین شده، مثلاً ۵ دقیقه ارائه می شود). یا متغیر (که تقویت بطور اتفاقی اما دارای دوره زمانی متغیری که در حول و حوش یک میانگین مشخص می باشد، داده می شود) باشد. برنامه نسبی می تواند بصورت نسبت ثابت (تقویت پس از تعداد ثابتی از رفتار، مثلاً پس از خواندن صحیح ۵ کلمه داده می شود) یا نسبت متغیر (تقویت تا اندازه ای به طور تصادفی اما با دامنه تغییری در حدود یک میانگین مشخص) باشد.

شکل دهی رفتار

این واژه به مفهوم خرد کردن هدف مورد نظر به قدمها یا دستورات متوالی است، سپس رفتاری را که دانش آموز قبلاً نشان داده، تقویت کرده و بتدریج بر نیاز به تقویت افزوده می شود. شکل دهی رفتار گاهی اوقات به عنوان تقریب های متوالی نامیده می شود. برای مثال: هدف رفتاری نهایی، وادار کردن پتی به نشستن بر نیمکت خود برای دوازده دقیقه می باشد. رفتار پتی می تواند بوسیله تقویت قدمهای متوالی یا تقریب های متوالی ذیل شکل گیرد: اول وی برای ایستادن نزدیک

و فرد به منظور پرهیز از محرکات ناخوشایند، دست به عمل می زند. برای مثال راننده اتومبیل، برای اجتناب از بوق اخطار اتومبیل، اقدام به بستن کمربند ایمنی خود می نماید.

خاموشی

خاموشی هنگامی رخ می دهد که منابع تقویت، همراه رفتار برداشته شوند. بطوریکه رفتار خاص، از نظر توان کاهش یافته یا حتی متوقف گردد. معلمانی که به شاگردان خود به صورت سرزنش یا تذکر توجه می کنند ممکن است بطور ناآگاهانه رفتارهای نامطلوب کلاسی آنها را تقویت نمایند. برای مثال هرگاه سام در کلاس حرف می زند، کانون توجه واقع شده، بطوریکه معلم به وی می گوید: چرا کلاس را به آشوب کشیده ای؟ مفهوم خاموشی بطور ضمنی بر این اشاره دارد که اگر رفتار سام بجای تقویت کلامی مورد بی توجهی قرار می گرفت، به زودی کاهش یافته و پایان می یافت.

برنامه های تقویت

برنامه تقویت، طرحی از موقعیتهایی است که تحت آن شرایط تقویت رخ می دهد. این طرح نام وابستگی نیز نامیده شده و شامل ترتیب ارتباط مابین رفتار مطلوب و وقوع تقویت می باشند. برنامه تقویت می تواند متوالی یا متناوب باشد. تقویت متوالی، عبارتست از تقویت رفتار مطلوب در هر زمانی که آن رفتار رخ دهد. برای مثال اگر ژون برای هر بار که مساله ریاضیات را حل می کند یک ستاره بگیرد، معلمش از یک برنامه تقویت متوالی استفاده کرده است. تقویت متناوب بدان معناست که پاداش بجای هر دفعه به تعداد دفعات مشخص شده داده شود. اگر معلم ژون از یک برنامه تقویت متناوب استفاده می کرد،

داشته باشد. قرار داد می‌بایستی توسط هر دو طرف به امضاء برسد.

تقویت ژتونی

تقویت‌های ژتونی، عبارتند از تقویت‌هایی که ذخیره شده تا بعداً برای تبدیل به یک تقویت کننده بسیار با معنا، مورد استفاده قرار گیرند. برای مثال، تقویت کننده ژتونی می‌تواند شامل چیپ‌های یوکر یا اشیاء پلاستیکی باشد که دانش‌آموزان آنها را پس‌انداز کرده و برای تبدیل به شی‌ای که برای ایشان ارزش بیشتری دارد همچون اسباب‌بازی، تفنگ، کتاب‌های فکاهی، بازی‌ها، کارت‌های بیس بال و مانند آن مورد استفاده قرار دهند. زمان می‌بایستی برای معاوضات طبقه بندی شده و اطلاعاتی در مورد نسبت معاوضات، در دسترس قرار گیرد. در برخی برنامه‌ها، یک اقتصاد ژتونی در درون پروژه شکل می‌یابد. بدان معنا که کلید فعالیتها بر حسب کسب ژتون شکل می‌گیرد.

ارزیابی رفتارهای عاطفی و اجتماعی

ارزیابی مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموز و وضعیت عاطفی وی مشکل است. روش مشاهده‌ای، روشی کاملاً مستقیم برای قضاوت در مورد رفتارهای عاطفی و اجتماعی دانش‌آموز است. در واقع معلمان که بطور روزمره با دانش‌آموزان در کلاس ارتباط دارند، مفسرینی عالی برای واکنش‌های عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزان هستند. دیگر روش‌های ارزیابی، پرسش‌نامه‌ها، چک لیست‌ها و مقیاس‌های درجه بندی هستند. بسیاری از این ابزارها در جدول ۲-۱۵ فهرست گردیده و در ضمیمه (C) به اندازه کفایت توصیف شده‌اند.

ابزارهای مصاحبه اصولاً

پرسش‌نامه‌هایی هستند که به آموزگار در مصاحبه با والدین، دانش‌آموز، دیگر معلمان یا هر کس دیگری که با دانش‌آموز ارتباط دارد، یاری می‌رسانند. پرسش‌نامه دانش‌آموزی نیز جهت کامل کردن به دانش‌آموز داده می‌شود. روش‌های جامعه‌سنجی، اطلاعاتی در مورد محبوبیت و پذیرش دانش‌آموز از طرف همکلاسه‌هایش ارائه می‌دهد. این روش‌ها برای شناسایی دانش‌آموزانی که بیشترین یا کمترین محبوبیت را در کلاس دارند طراحی شده‌اند. یک روش جامعه‌سنجی عبارت از این است که از دانش‌آموزان می‌خواهند سه همکلاسی مورد علاقه‌شان را نام ببرند.

راهکارهای تدریس

این بخش حاوی راهکارهای تدریس برای بهبود و توسعه استعداد‌های اجتماعی، ایجاد خودپنداره و سلامت عاطفی با استفاده از روش‌های ساماندهی رفتار می‌باشد.

توسعه استعداد‌های اجتماعی

دانش‌آموزانی که از نظر اجتماعی دارای استعداد هستند، مهارت‌های اجتماعی را بدون هیچگونه تلاشی از طریق زندگی روزمره و مشاهده، یاد می‌گیرند. دانش‌آموزان دارای نقائص اجتماعی به تلاش‌هایی خود آگاه و نیز آموزش ویژه برای یادگیری در مورد جهان اجتماعی، زیربوم‌ها و زبان سکوت آن نیاز دارند. همانطور که به دانش‌آموزان می‌آموزیم تا تکالیف کلاسی را انجام دهند، (خواندن، نوشتن، هجی کردن، انجام ریاضیات و گذراندن آزمونها) می‌توانیم به دانش‌آموزان یاد دهیم تا چگونه در رابطه با دیگران زندگی کنند. همانگونه که باید برای آموزش مهارت‌های مختلف تحصیلی از روش‌های

گوناگونی استفاده نماییم، به همان صورت باید از مجموعه گسترده روش‌ها استفاده کرد، تا به دانش‌آموز بی‌آموزیم چسب‌گونه در کنار دیگران زندگی کنند. فعالیت‌های مربوط به این بخش برای توسعه مهارت‌های اجتماعی طراحی شده است. این مهارت‌ها به طبقات ذیل تقسیم می‌شوند: تصویر بدنی و ادراک خود، حساسیت نسبت به دیگران، رشن اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی و استراتژی‌های یادگیری و آموزش مهارت‌های اجتماعی.

تصویر بدنی و ادراک خود

۱- فعالیت‌های حرکتی

۲- **قسمت‌های بدن:** وادار کردن دانش‌آموزان برای مشخص کردن اعضاء بدن در یک عروسک، بر روی یکی از همکلاسی‌ها و نهایتاً بر روی بدن خودش.

۳- **تصاویر مقوایی:** آدمکی مقوایی با اعضاء قابل حرکت بسازید. آدمک را در وضعیت‌های متفاوت قرار دهید. برای مثال: با پای چپ و دست راست به طرف بیرون، دانش‌آموز را وادار کنید وضعیت‌ها را تقلید کند.

۴- **پازل‌ها:** پازلی از تصویر یک فرد ساخته و دانش‌آموز را وادار کنید تا قطعات را جور کند. پازل را برش بزنید بطوری که هر قطعه اصلی به سادگی قابل شناسایی باشد.

۵ **تکمیل تصاویر:** دانش‌آموز را وادار کنید که تصویری نیم کشیده شده را کامل کرده یا اینکه بیان دارد در تصویر ناقص چه چیز کم است.

۶- **آلبوم:** به دانش‌آموزان کمک کنید آلبوم‌هایی در مورد خودشان شامل تصاویری در مراحل مختلف رشد، تصاویری از خانواده و حیواناتشان، لیستی از چیزهایی که دوست دارند یا دوست ندارند، خاطرات بامزه خود، شرح مسافرت‌ها، جوایزی که کسب کرده‌اند و غیره تشکیل دهند.

ادامه مطلب در شماره آینده